

نقش تعدیل کننده مسئولیت پذیری در رابطه بین سبک های حل تعارض و بی ثباتی ازدواج در بین زوجین شهر فیروزآباد

زهرا عادل^۱، اعظم داوودی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
^۲ استادیار روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

ازدواج و رابطه زناشویی منبع حمایت و صمیمیت بین زن و شوهر می باشد و مسئولیت پذیری از عوامل مؤثر در بهبود روابط بین فردی است. هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش تعدیل کننده مسئولیت پذیری در رابطه بین سبک های حل تعارض و بی ثباتی ازدواج در بین زوجین شهر فیروزآباد می باشد. پژوهش حاضر، توصیفی و جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی زوجین شهر فیروزآباد در سال ۱۳۹۹ می باشد. حجم نمونه ۱۲۰ نفر بود که با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. پرسشنامه بی ثباتی ازدواج ادواردز و همکاران (۱۹۸۰)، پرسشنامه سبک های حل تعارض رحیم- B نسخه (۱۹۸۳) و پرسشنامه مسئولیت پذیری کالیفرنیا (۱۹۸۷) استفاده شد. نتایج نشان داد مسئولیت پذیری براساس سطح سبک های حل تعارض قابل پیش بینی می باشد. بی ثباتی زناشویی براساس مسئولیت پذیری در بین زوجین قابل پیش بینی است و براساس نتایج رگرسیون، بی ثباتی زناشویی؛ مؤلفه ثبات زناشویی، موانع و جاذبه های طلاق، رابطه معناداری با مسئولیت پذیری دارند.

واژه های کلیدی: مسئولیت پذیری، سبک های حل تعارض، بی ثباتی ازدواج.

مقدمه

ازدواج در زمره تکالیف و سنت‌هایی است که از دیر باز در جوامع بشری مورد توجه بوده و از جمله مقاطع چالش‌انگیز و گاهاً تنش‌زای دوران حیات هر فرد به حساب می‌آید. ازدواج در همه جوامع یک نهاد مهم شمرده می‌شود و داشتن زندگی زناشویی موفق تقریباً برای هر کسی یک هدف عمده و آرمانی به شمار می‌رود. به طوری که داشتن ازدواج شاد را یکی از اصلی‌ترین اولویت‌های زندگی خویش دانسته و بر این باورند که ازدواج یک تعهد مادام‌العمر است که فقط در حالت‌های اضطراری می‌توان به آن پایان داد (۵). تقویت زندگی خانوادگی، ثبات و دوام آن در گرو نگرش و طرز تعامل زوج‌ها با یکدیگر است. روابط زناشویی زوجین مفهومی چند بعدی شامل سازگاری، رضایت و تعهد^۲ (مسئولیت‌پذیری) می‌شود و کیفیت زندگی زوجین ترکیبی از این ابعاد است (۶). لذا می‌توان گفت بی‌ثباتی ازدواج زمانی مطرح است که یک نفر از زوجین یا هر دو نفر، درباره طلاق یا جدایی می‌اندیشند و یا اعمالی را انجام می‌دهند که به پایان رساندن ازدواج، گرایش دارد (۲). مسئولیت‌پذیری از جمله مفاهیم حوزه روان‌شناسی تربیتی است که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است (۷). مسئولیت‌پذیری از عوامل مؤثر در بهبود روابط بین فردی است و به توانایی پاسخ دادن مؤثر و تصمیم‌گیری‌های مناسب در شرایط و موقعیت‌های مختلف گفته می‌شود. منظور از تصمیم‌گیری‌های مناسب آن است که فرد در چهارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از او می‌رود، دست به انتخابی دادن کارها و مسئولیت‌هایش می‌داند و از زیر مسائل شانه خالی نمی‌کند و کار امروز را به فردا نمی‌افکند و در انجام وظایف خود به نحو احسن عمل می‌کند. انسان مسؤل به آسایش دیگران می‌اندیشد، دیگرانی که از والدین، همسر، خانواده و ... شروع و به جامعه و سپس تمام مردم دنیا ختم می‌شود. عوامل مقدماتی با مسئولیت‌پذیری و رضایت زناشویی افراد متأهل ارتباط دارد، از جمله این ویژگی‌ها، تمایز یافتگی^۵ است. این مفهوم در خانواده درمانی مطرح گردیده و افراد دارای این ویژگی آسیب‌پذیری روانی کمتری را تجربه می‌نمایند (۸).

تعارض جزء اجتناب‌ناپذیر تعاملات بشری محسوب می‌شود که بیشتر در پژوهش‌های مرتبط با روابط نزدیکی مورد بررسی قرار گرفته است (۹). تعارض به عنوان فرایند تعاملی است که با ناسازگاری و عدم توافق شناخته می‌شود و یا به صورت نابهنجاری همراه نهادها یا بین نهادهای مختلف اجتماعی تعریف می‌شود (۱۰).

سبک‌های حل تعارض، پاسخ‌ها یا مجموعه‌ای از رفتارهای الگوبرداری شده هستند که افراد هنگام تعارض از آنها استفاده می‌کنند و بر اساس دو محور طبقه‌بندی می‌شوند: قاطعیت یعنی حل تعارض بر حسب منافع خود و مشارکت‌ورزی^۷ یعنی حل تعارض بر اساس منافع طرف مقابل (۱۱). همچنین نگرشی کلی است که در پاسخ به درگیری در تعاملات دوجانبه‌ی افراد منعکس می‌شود (۱۲). و در طول فرایند اجتماعی شدن، افراد سبک‌های حل تعارض خاصی را در تجربیات شخصی، ارزش‌های فرهنگی و تحصیلات خود پرورش می‌دهند (۱۲). از طرف دیگر شکست در مدیریت تعارض ممکن است به شکست در اجرای کار، کاهش کارایی، غیبت، کاهش کارآمدی در کار، از بین بردن منابع، افزایش استرس و فرسودگی و تأثیر منفی آشکار منتج شود (۱۳). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که روش‌های حل تعارض غیرسازنده از مجموع دو سبک سلطه‌گرانه و سبک اجتنابی به دست می‌آید یعنی زنان یا مردانی که تمایل دارند در تعامل با یکدیگر از شیوه‌های قهرآمیز و آمرانه استفاده کنند؛ همواره به طور گزینشی به رفتارهای منفی همسران خود توجه می‌کنند و نیازها و انتظارات وی را نادیده می‌گیرند (۱۴). در سبک یکپارچه که همچنین به عنوان سبک حل مسئله نامیده می‌شود، افراد علایق بیشتری به نگرانی‌های خود و دیگران نشان می‌دهند. این

¹ Compatibility

² Satisfaction

³ Commitment

⁴ Responsibility

⁵ Self of differentiation

⁶ Determination

⁷ Participation

سبک دربرگیرنده‌ی همکاری گروه‌هاست. صداقت، شریک کردن افکار، امتحان کردن تفاوت‌ها برای به دست آوردن راه‌حلی که می‌تواند در نظر هر دو طرف پذیرفته شود (۱۵). سبک یکپارچه سبک حل تعارض برد-برد است. چرا که بیشتر محققان معتقدند مناسبترین و مؤثرترین سبک است چون بر کاهش فشار هر دو طرف و تحکیم تعهدات طرفین متمرکز است (۱۶). از طرفی، سبک ملزم‌شده نگرانی خیلی بالایی را برای دیگران و نگرانی کمتری را برای خودش نشان می‌دهد و نیازهای دیگران را به نیازهای خود ترجیح می‌دهد (۱۷)، این خود-فداکاری، امتیازدادن به دیگران و باوفا بودن نسبت به دیگران را نشان می‌دهد (۱۶). سبک مصالحه‌کننده نیز، تسلیم‌پذیری کمتری نسبت به سبک ملزم‌شده دارد اما این شرایط برد-برد را به دست نمی‌آورد (۱۷). در این پژوهش هدف اصلی ما بررسی نقش تعدیل‌کننده مسئولیت‌پذیری در رابطه بین سبک‌های حل تعارض و بی‌ثباتی ازدواج در بین زوجین شهر فیروزآباد است.

اهمیت و ضرورت

به طور کلی بی‌ثباتی ازدواج به عنوان قطب منفی از یک پیوستاری که تداوم و پیوستگی ازدواج را نشان می‌دهد دیده می‌شود. اگر یک زوج با ثبات و پایدار نیروهای زیادی دارد که هر عضو زوج را ملزم به با هم بودن می‌کند، یک ازدواج ناپایدار و بی‌ثبات نیروهایی دارد که هر عضو زوج را در جهت جدا شدن از هم سوق می‌دهد. بی‌ثباتی ازدواج از عوامل درون فردی و بین فردی متعددی نشأت می‌گیرد. در این میان یکی از عوامل درون فردی مؤثر بر بی‌ثباتی ازدواج، تاب‌آوری است. تاب‌آوری در زندگی افراد نقش مهمی را ایفا می‌کند. زیرا که بدون وجود این ویژگی تحمل مشکلات برای زوجین دشوار می‌شود. در عدم تاب‌آوری تعارض رخ می‌دهد. تعارض جزئی‌گریزناپذیر از روابط انسانی است. هر فردی روش یگانه‌ای برای مقابله با تعارض دارد. اهتمام به درک سبک و انگیزه‌های خود، به علاوه سبک و انگیزه‌های همسر، کمک شایانی به حل سازنده تعارض خواهد کرد. اگر رابطه زناشویی بخواهد به صورت پویا ادامه یابد، اختلاف نظرها باید به شیوه‌ای درست حل شود.

پژوهش‌ها نشان داده‌است که طلاق پیامدهای منفی فراوانی از قبیل خطر فزاینده آسیب روانی، میزان تصادف‌های اتومبیل منجر به مرگ، شیوع فزاینده بیماری جسمی، خودکشی، خشونت، قتل برای زوجین و خطر افسردگی و خودکشی، انزوا و شایستگی پایین، مشکلات جسمی و عملکرد تحصیلی پایین برای فرزندان به همراه دارد (۱۸). در این ارتباط، با توجه به اینکه نمی‌توان روابط بین زوج‌ها را عاری از تفاوت و اختلاف نظر دانست، اما به نظر می‌رسد ارزیابی سبک‌های حل تعارض و روش‌هایی که آنان برای حل مشکلات خود به کار می‌گیرند می‌تواند در ثبات و پایداری ازدواجشان مؤثر باشد. در هر حال تعارض و اختلاف، قلب روابط عاشقانه است (۱۶). به عبارت دیگر، برای ادامه و مراقبت از عشق و محبت، وجود تعارض، اجتناب ناپذیر و حتی تا حدودی ضروری است. هنگامیکه تعارض‌ها به خوبی هدایت نشوند، ممکن است به خواسته‌های ناخوشایند، نارضایتی و مشکلات روانی مانند افسردگی، خشم، نگرانی و غیره منجر شود. مهم این است که تعارض‌های زناشویی به شیوه‌ای مدیریت شود که صمیمیت در زندگی را گسترش دهد (۱۹). نتایج پژوهش نکان و عصا^۸ (۲۰) نشان داد سبک‌های حل تعارض زوج‌ها بر بی‌ثباتی ازدواج تأثیرگذار است. شیوه‌های حل تعارض نادرست در واقع حاکی از نادیده انگاشتن همسر، همکاری نکردن و پاسخگو نبودن است. این افراد سعی می‌کنند در روابط خود طرف مقابل را نادیده بگیرند و گاه کاملاً از گفتگو کناره‌گیری کنند و همچنین سعی می‌کنند با همسرشان تعامل نداشته باشند. این شیوه‌ها همچنین می‌تواند بستری را برای خشونت‌های کلامی و جسمانی در خانواده فراهم آورد که ممکن است بر سطح رضایت طرفین از یکدیگر تأثیر بگذارد و رابطه‌ی آنها را به سردی و جدایی بکشاند و نیز در اثر نبود خلق و روحیه‌ای مثبت در خانواده، انگیزه‌های تغییر هم در آنها کم‌رنگ شود.

⁸ Necan & assa

حل تعارض می‌تواند تعامل موثر بین زن و شوهر را تسهیل کند و در موقعیت‌های تعارض‌آمیز و مشکل‌زا با بکارگیری روش حل تعارض مانع از بروز تعارض شد. بنابراین مهارت‌های حل تعارض یک شاخص کلیدی در روابط زناشویی محسوب می‌شود. نرخ بالای طلاق و رشد روزافزون آن و تبعات آن، علاوه بر آثار منفی بر بی‌ثباتی ازدواج بر سلامت زوجین نیز تاثیرگذار است. با انجام پژوهش بر روی عوامل مذکور، دیدگاه یا نقش این متغیرها را در پیشینه پررنگ‌تر نموده و توجه پژوهشگران و درمانگران این حوزه را به متغیرهای مورد بررسی جلب نموده و زمینه ساز کار بر روی این متغیرها را فراهم ساخت.

روش پژوهش

روش جامعه و نمونه آماری پژوهش

روش پژوهش حاضر همبستگی و جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی زوجین شهر فیروزآباد در سال ۹۹ می‌باشد. از بین جامعه پژوهش تعداد ۱۲۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند؛ حجم نمونه بر اساس تعداد مؤلفه‌های متغیرهای پیش‌بین (مسئولیت‌پذیری (یک مؤلفه) و سبک‌های حل تعارض (پنج مؤلفه)) به ازاء هر مؤلفه ۲۰ نفر در نظر گرفته شد. برای سنجش متغیرهای تحقیق از پرسشنامه‌های بی‌ثباتی ازدواج ادواردز و همکاران (۱۹۸۰)؛^۹ پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم (۲۱) و پرسشنامه مسئولیت‌پذیری کالیفرنیا (۱۹۸۷)؛^{۱۰} استفاده شد که در ادامه بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است.

ابزارهای سنجش

۱- پرسشنامه بی‌ثباتی ازدواج: این پرسشنامه توسط ادواردز و همکاران (۱۹۸۰) برای اندازه‌گیری عدم ثبات ازدواج و به ویژه مستعد طلاق بودن ساخته شد. شاخص بی‌ثباتی ازدواج از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول (سوالات ۱-۱۴) برای اندازه‌گیری ثبات زناشویی و به ویژه مستعد طلاق بودن تدوین شده است. قسمت دوم پرسشنامه تحت عنوان جاذبه‌ها و موانع طلاق (سوالات ۱-۸) مطرح شده است. هر سوال آزمون در قسمت اول به صورت طیف لیکرت ۴ درجه‌ای: خیلی اوقات، اغلب اوقات، گاهی و هرگز است که به هر گزینه نمره‌های بین ۴ (خیلی اوقات) تا ۱ (هرگز) تعلق می‌گیرد. در قسمت دوم، سوالها پرسیده می‌شود و نمره آن، به نمره "احتمال طلاق" اضافه و یا از آن کم می‌شود. بنابراین نمره بالا در این مقیاس یعنی احتمال وقوع طلاق در زوجها بالاست و نمره پایین یعنی احتمال وقوع طلاق در زوجها پایین است. ادواردز و همکاران (۱۹۸۰) برای شاخص بی‌ثباتی ازدواج ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ را گزارش کردند (۲۲). این پرسشنامه توسط دهقان (۲۳)، در مورد زوج‌های متقاضی طلاق در استان قم اجرا شد که روایی پیشین آن ۰/۸۵ به دست آمد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ گزارش شد. روایی بدست آمده برای این پژوهش از طریق آزمون KMO، ۰/۷۷؛ ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۴ به دست آمد.

⁹ Marriage Instability Questionnaire (Edwards et al., 1980)

¹ Rahim Conflict Resolution Styles Questionnaire (1983)

¹ California Accountability Questionnaire (1987)

۲- پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم-نسخه B: نسخه دوم مقیاس شیوه مقابله با تعارض توسط رحیم^{۱۲} (۱۹۸۳) برای اندازه‌گیری میزان تضاد ارتباطی طراحی و ساخته شد و ۲۸ ماده برای سنجش پنج زیرمقیاس اجتنابی^۳(۲۲-۱۴-۱۳-۱۱-۴-۳) ماده یکپارچگی^۴(۲۶-۲۴-۱۸-۱۷-۷-۶-۱)، سلطه‌گرانه^۵(۲۳-۲۰-۱۵-۱۲-۱۰-۱)، مصالحه‌گرانه^۶(۲۷-۲۱-۱۹-۹) و ملزم شده^۷(۲۸-۲۵-۱۶-۸-۵-۲) دارد. این مقیاس در ایران توسط باباپور ترجمه شده و شیوه‌های ۵ گانه حل تعارض بر روی هم تشکیل‌دهنده دو روش حل تعارض سازنده و غیرسازنده هستند که شیوه‌های ملزم شده و یکپارچگی بعد سازنده و شیوه‌های سلطه‌گرانه و اجتنابی بعد غیرسازنده را تشکیل می‌دهند و شیوه مصالحه‌گرانه حالت بینابینی دارد. نمره گذاری این پرسشنامه به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای، کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم است که به هر گزینه‌ای نمره‌ای میان ۵ (کاملاً موافقم) تا ۱ (کاملاً مخالفم) تعلق می‌گیرد. نمره بیشتر در هر زیرمقیاس یعنی فرد از آن سبک برای حل تعارض خود استفاده می‌کند(۲۴). اعتبار پرسشنامه توسط حقیقتی و همکاران (۲۵)، با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های پرسشنامه در دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۷۵ به دست آمد. همچنین اعتبار تصنیفی این ابزار بین ۰/۷۲ تا ۰/۶۷ است که بیانگر پایایی قابل قبول برای این ابزار است. بررسی روایی سازه این پرسشنامه در زمینه عوامل پنجگانه حاصل از تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که ماده‌های پرسشنامه در مجموع، ۷۰/۸۱ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. جدول بارهای عاملی چرخش یافته‌ها نشان داد که همه ماده‌های پرسشنامه دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۵۰ هستند (۲۵). روایی بدست آمده برای این پژوهش از طریق آزمون KMO، ۰/۸۶؛ ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش برای سبک یکپارچه (۰/۹۳)، اجتنابی (۰/۷۳)، سلطه‌گرانه (۰/۷۶)، مصالحه (۰/۸۲) و ملزم شده (۰/۸۴) به دست آمد.

۳- پرسشنامه مسئولیت‌پذیری کالیفرنیا (۱۹۸۷): برای سنجش مسئولیت‌پذیری از خرده مقیاس سنجش مسئولیت‌پذیری پرسشنامه روانشناختی کالیفرنیا (۱۹۸۷) استفاده شده که ۴۲ سوال دارد. این پرسشنامه نخستین بار توسط هاریسون گاف^۸ در سال (۱۹۵۱) با ۶۴۸ سوال و ۱۵ مقیاس برای سنجش ۱۵ ویژگی شخصیتی انتشار یافت و سپس در سال (۱۹۵۷) مقیاس‌های آن به ۱۸ و مجدداً تعداد سوال‌های آن به ۱۶۲ و تعداد خرده مقیاس‌های آن به ۲۰ خرده مقیاس افزایش یافت. مقیاس سنجش مسئولیت‌پذیری ۴۲ سوالی به منظور سنجش ویژگی‌هایی از قبیل: «وظیفه‌شناسی، احساس تعهد، سخت‌کوشی، جدیت، قابلیت اعتماد، رفتار مبتنی بر نظم و مقررات و منطبق بر احساس مسئولیت مورد استفاده قرار می‌گیرد(۴). پایایی این مقیاس در پژوهش موسوی(۲۶)، ۰/۷۰ و در پژوهش رضایی و رضایی (۲۷) ۰/۶۵ بدست آمده است. موسوی(۲۶) همچنین اعتبار این مقیاس را با استفاده از روش ملاک همزمان معادل $I=۶۱۰$ محاسبه نموده است که در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار است. روایی بدست آمده برای این پژوهش از طریق آزمون KMO، ۰/۸۳؛ ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش (۰/۷۴) به دست آمده است.

^۱ Rahim	2
^۱ Avoiding style	3
^۱ Integrating style	4
^۱ Dominating style	5
^۱ Compromising style	6
^۱ Obligating style	7
^۱ Harrison G. Gough	8

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

افراد نمونه از نظر جنسیت به دو دسته مرد و زن تقسیم شدند و اکثریت افراد موجود در نمونه را خانم‌ها با فراوانی ۸۸ نفر (۷۳/۳ درصد) به خود اختصاص دادند و تعداد ۳۲ نفر (۲۶/۷ درصد) از حجم نمونه را آقایان تشکیل دادند. بر مبنای شاخص سن، اکثریت نمونه را افراد ۴۳ تا ۵۴ ساله (۴۳/۳ درصد)، ۱۵ درصد گروه سنی ۱۹ - ۳۰ سال، ۴۰ درصد گروه سنی ۳۱ - ۴۲ سال و ۱/۷ درصد گروه سنی ۵۵ تا ۶۵ سال تشکیل می‌دهند. نمونه از نظر میزان تحصیلات به سه دسته تقسیم می‌شوند که بیشترین فراوانی متعلق به افرادی با سطح تحصیلات لیسانس با فراوانی (۶۰ درصد) می‌باشد و ۹/۲ درصد افراد با تحصیلات دیپلم، ۳/۳ درصد فوق دیپلم، ۲۷/۵ درصد فوق لیسانس و بالاتر هستند. بیشترین فراوانی نمونه از نظر شاخص شغل، متعلق به افرادی با وضعیت بیکار است که ۵۵ درصد را شامل می‌شود. ۴۱/۷ درصد شاغل؛ ۳/۳ درصد بازنشسته هستند.

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیرهای جمعیتی

متغیر	مقوله‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۸۸	۷۳/۳
	مرد	۳۲	۲۶/۷
گروه سنی	۱۹-۳۰	۱۸	۱۵
	۳۱-۴۲	۴۸	۴۰
	۴۳-۵۴	۵۲	۴۳/۳
	۵۵-۶۵	۲	۱/۷
تحصیلات	دیپلم	۱۱	۹/۲
	فوق دیپلم	۴	۳/۳
	لیسانس	۷۲	۶۰
	فوق لیسانس و بالاتر	۳۳	۲۷/۵
وضعیت شغلی	شاغل	۵۰	۴۱/۷
	بیکار	۶۶	۵۵
	بازنشسته	۴	۳/۳

نتایج یافته‌های جدول ۲، نشان می‌دهد که سبک‌های حل تعارض شامل سبک تعارض اجتنابی با میانگین $۲۰/۵۹$ و انحراف معیار $۴/۳۲$ ؛ سبک تعارض یکپارچگی با میانگین $۲۵/۰۳$ و انحراف معیار $۳/۲۱$ ؛ سبک تعارض سلطه‌گرانه با میانگین $۱۴/۸۰$ و انحراف معیار $۳/۹۰$ ؛ سبک تعارض مصالحه‌گرانه با میانگین $۱۵/۱۷$ و انحراف معیار $۱/۹۳$ ؛ سبک تعارض ملزم شده با میانگین $۲۱/۶۰$ و انحراف معیار $۳/۲۸$ است. متغیر بی‌ثباتی زناشویی شامل ثبات زناشویی با میانگین $۱۶/۳۵$ و انحراف معیار $۳/۸۷$ ؛ جذبیه‌ها و موانع طلاق با میانگین ۲۹ و انحراف معیار $۹/۵۱$ است. متغیر مسئولیت‌پذیری با میانگین $۶۰/۹۳$ و انحراف معیار $۱۰/۵۶$ است.

جدول شماره ۲- میانگین، انحراف معیار، مینیمم و ماکزیمم متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
سبک‌های حل تعارض	سبک تعارض اجتنابی	$۲۰/۵۹$	$۴/۳۲$	۱۰
	سبک تعارض یکپارچگی	$۲۵/۰۳$	$۳/۲۱$	۱۷
	سبک تعارض سلطه‌گرانه	$۱۴/۸۰$	$۳/۹۰$	۷
	سبک تعارض مصالحه‌گرانه	$۱۵/۱۷$	$۱/۹۳$	۱۱
	سبک تعارض ملزم شده	$۲۱/۶۰$	$۳/۲۸$	۱۳
بی‌ثباتی زناشویی	ثبات زناشویی	$۱۶/۳۵$	$۳/۸۷$	۹
	جذبیه‌ها و موانع طلاق	۲۹	$۹/۵۱$	۱۵
مسئولیت‌پذیری	$۶۰/۹۳$	$۱۰/۵۶$	۱	۷۸

یافته‌های استنباطی

فرضیه پژوهش

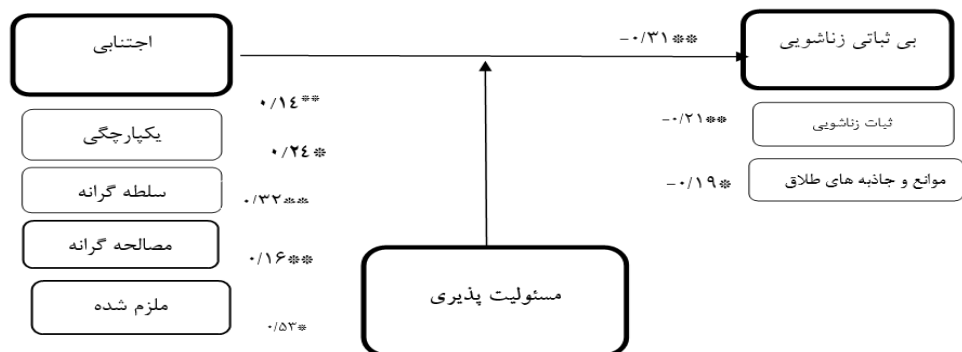
مسئولیت‌پذیری در رابطه بین سبک‌های حل تعارض و بی‌ثباتی ازدواج در بین زوجین نقش تعدیل‌کننده دارد.

جدول ۳- ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
سبک تعارض اجتنابی	۱								
سبک تعارض یکپارچگی	$۰/۲۷۲^{**}$	۱							
سبک تعارض سلطه‌گرانه	$۰/۲۰۷^{**}$	$۰/۲۲۵^{**}$	۱						

گزاره								
سبک								
تعارض	۱	۰/۲۴۹**	۰/۴۰۶**	۰/۲۴۲*				
مصالحه								
گزاره								
سبک								
تعارض	۱	۰/۳۶۳**	۰/۰۹۶	۰/۳۳۸**	۰/۲۳۱*			
ملزم شده								
مسئولیت	۱	۰/۲۱۲*	۰/۳۴۱**	۰/۴۰۷**	۰/۲۴۷*	۰/۲۷۷**		
پذیری								
ثبات	۱	۰/۴۲۳**	۰/۳۵۴**	۰/۵۰۳**	۰/۲۴۸**	-۰/۴۲۲**	۰/۳۷۸**	
زناشویی								
موانع و								
جاذبه های	۱	۰/۱۷۰	-۰/۲۶۰**	-۰/۰۳۴	۰/۲۱۲*	-۰/۲۴۴*	-۰/۲۴۰*	-۰/۱۵۷
طلاق								
بی ثباتی								
زناشویی	۱	۰/۹۳۸**	۰/۵۰۰**	-۰/۳۷۶**	-۰/۱۵۸	-۰/۳۶۴**	-۰/۳۰۱**	-۰/۳۶۱**

جدول ۳، ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، بی‌ثباتی زناشویی در سطح ۰/۰۱ درصد با سبک تعارض اجتنابی ($r = -0/267, p < 0/001$)، سبک تعارض یکپارچگی ($r = -0/361, p < 0/001$)، سبک تعارض سلطه‌گرانه ($r = -0/301, p < 0/001$)، سبک تعارض مصالحه‌گرانه ($r = -0/364, p < 0/001$) رابطه نمودار زیر تحلیل مسیر متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود مسئولیت‌پذیری بر اساس سبک‌های حل تعارض قابل پیش‌بینی است. در واقع مسیر سبک‌های حل تعارض از طریق مسئولیت‌پذیری بر بی‌ثباتی زوجین قابل پیش‌بینی است و می‌توان گفت مسئولیت‌پذیری در رابطه بین سبک‌های حل تعارض و بی‌ثباتی ازدواج در بین زوجین نقش تعدیل کننده دارد.



**p<0/01, *p<0/05

بحث

نتیجه فرضیه تحقیق مبنی بر این که مسئولیت‌پذیری در رابطه بین سبک‌های حل تعارض و بی‌ثباتی ازدواج در بین زوجین نقش تعدیل‌کننده دارد؛ تایید شد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد مسئولیت‌پذیری بر اساس سطح سبک‌های حل تعارض قابل پیش‌بینی می‌باشند. یعنی در سطح ۵ درصد معنی دار می‌باشد. سبک حل تعارض اجتنابی، سبک حل تعارض یکپارچگی، سبک حل تعارض سلطه‌گرانه، سبک حل تعارض مصالحه‌گرانه، سبک حل تعارض ملزم شده، رابطه معناداری با مسئولیت‌پذیری دارند. میزان ضریب همبستگی چند گانه $0/503$ و میزان ضریب همبستگی تعدیل شده $0/253$ است به عبارتی $25/3$ درصد از متغیر مسئولیت‌پذیری توسط سبک‌های حل تعارض تبیین می‌شود. بی‌ثباتی زناشویی بر اساس مسئولیت‌پذیری در بین زوجین قابل پیش‌بینی است و براساس نتایج رگرسیون، بی‌ثباتی زناشویی؛ مؤلفه ثبات زناشویی، موانع و جاذبه‌های طلاق، رابطه معناداری با مسئولیت‌پذیری دارند. میزان ضریب همبستگی چند گانه $0/462$ و میزان ضریب همبستگی تعدیل شده $0/213$ است به عبارتی $21/3$ درصد از متغیر بی‌ثباتی زوجین توسط مسئولیت‌پذیری تبیین می‌شود.

یافته‌های پژوهش با نتایج پژوهش نوروژی و همکاران (۲۸)، لو و وانگ (۱۶)، بن اری و هیرشبرگ^۱ (۲۹) هم راستا است. نوروژی و همکاران (۲۸) از طریق تحلیل مسیر نشان داد سبک سلطه‌گرانه به صورت مثبت و سبک‌های یکپارچه، اجتنابی و بهزیستی روان‌شناختی به صورت منفی بی‌ثباتی ازدواج را پیش‌بینی می‌کنند. ضرایب مسیر غیرمستقیم نشان داد بین سبک سلطه‌گرانه و بی‌ثباتی ازدواج رابطه مثبت، بین سبک یکپارچه و مصالحه‌ای و بی‌ثباتی ازدواج رابطه منفی وجود دارد و بهزیستی روان‌شناختی رابطه بین سبک یکپارچه، مصالحه‌ای؛ و سلطه‌گرانه با بی‌ثباتی ازدواج را میانجیگری می‌کند. بن اری و هیرشبرگ (۲۹)، بیان کردند که سبک‌های حل تعارض الزام شده و مسلط شده آن گونه که انتظار می‌رود متضاد نیستند و ممکن است یک گروه از افراد جامعه همزمان پیش‌بینی‌کننده هر دو سبک مسلط شده و الزام شده باشند. مطالعات نشان می‌دهند که افراد با اجتناب دلبستگی بالا پیش‌بینی‌کننده سبک‌های حل تعارض ملزم شده و مسلط شده هستند و سطح پایین اجتناب با سبک حل تعارض ملزم شده در موقعیت‌های حل تعارض، در رابطه بود. همچنین، بعد اجتناب دلبستگی به تنهایی سبک‌های حل تعارض اجتنابی، مصالحه و یکپارچه‌سازی را پیش‌بینی می‌کند. البته، سطح پایین بعد اجتنابی با سبک‌های حل تعارض سازنده در ارتباط بوده و اضطراب دلبستگی به تنهایی می‌تواند سبک‌های حل تعارض ملزم شده و یکپارچه‌سازی را پیش‌بینی کند (۳۰). دلاترو و وانگر (۳۴) بیان کردند. استراتژی حل تعارض "سازش" توسط مردان بیشتر از زنان و زنان از استراتژی "حمله" در مقایسه با مردان بیشتر استفاده می‌شود. برای هر دو جنسیت، دینداری با استراتژی‌های سازنده در ارتباط بود، در حالیکه بچه‌دار شدن با استراتژی‌های مخرب همراه بود. تحلیل داده‌های عارفی و همکاران (۵) نشان داد که بین گروه کنترل و آزمایش در مرحله پس‌آزمون در تعارضات زناشویی و بی‌ثباتی ازدواج-احتمال، طلاق تفاوت معناداری وجود دارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های زندگی زناشویی بر کاهش تعارضات زناشویی و بی‌ثباتی ازدواج-احتمال طلاق، در زوجین ناسازگار تأثیر دارد.

مسئولیت‌پذیری نوعی کنترل درونی بر فرد حاکم می‌کند که این امر برای برقراری روابط مبتنی بر همدلی، توجه به حقوق دیگران و به طور کلی نظم در روابط اجتماعی، دارای اهمیت است. افرادی که مسئولیت‌پذیرتر هستند؛ روابط مثبت‌تری با دیگران برقرار می‌کنند و هیجانات مناسب از خود بروز می‌دهند و توانایی تعبیر و تفسیر مناسب موقعیت‌های اجتماعی و متعاقب آن هیجانات خود را دارند. می‌توانند مسئولیت‌های خود را به خوبی انجام دهند و این مثبت بودن که نوعی موفقیت اجتماعی محسوب می‌شود، خود منجر به موفقیت در ایجاد ارتباطی صحیح بین آنها و افراد دیگر اجتماع می‌شود و در نهایت به

¹ Ben-Ari & Hishberg 9

² Delatorre & Wagner 0

ایجاد روابط اجتماعی مناسب، دوری از کم‌رویی و گوشه‌گیری اجتماعی و... منتهی می‌شود (۳۲). در واقع می‌توان مسئولیت‌پذیری را یک الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب همه فعالیت‌هایی که برعهده‌اش گذاشته شده است، دانست؛ که از درون فرد سرچشمه می‌گیرد و یکی از ویژگی‌های اصیل انسان است که رشد و تکامل فرد و جامعه انسانی و همچنین حفاظت از طبیعت در گرو آن می‌باشد (۳۳). در ارتباط با بی‌ثباتی ازدواج می‌توان گفت با توجه به اینکه بی‌ثباتی ازدواج در سه حالت شناختی، عاطفی و رفتاری متجلی می‌شود؛ به گونه‌ای که ابتدا در قالب افکار مربوط به جدایی یا همان ذهنیت طلاق خود را نشان می‌دهد، می‌توان انتظار داشت که ابتدا متغیرهای شناختی، استحکام و ثبات ازدواج را دستخوش تغییر قرار داده و می‌تواند با توان بیشتری وارد این چرخه تولیدی بی‌ثباتی ازدواج شوند و آن را تحت تأثیر قرار دهند. چرا که برای برخورد سازنده با بحران‌هایی که در زندگی مشترک زوجها به وجود می‌آید، هر زوج برای برخورد با این شرایط قبل از بروز واکنش‌های هیجانی و رفتاری، در مورد حوادث پیش آمده فکر کرده و حوادث را به گونه‌ای برای خود تفسیر می‌کند. افراد با سبک هویتی اطلاعاتی جدای از آن که تعهد بیشتری نسبت به انتخاب‌های خود از جمله همسر خویش دارند، در برخورد با شرایط تنش‌زا و بحرانی سعی در حل مسأله داشته و افکار خود را در جهت حل آن هدایت می‌کنند. لذا طبق نظریه الیس، این افکار هدایت شده متمرکز بر حل مسأله، هیجان‌های سازنده‌ای را در پی خواهد داشت و در مرحله بعد این مهارت افراد است که با هیجانات ظاهرشده به چه نحوی برخورد کنند. مشخص شده است که هرچه مهارت تنظیم هیجانی زنان و عملکردشان در کاهش علائم هیجانات منفی در تجارب، رفتار و برانگیختگی فیزیولوژیکی در طول بحث‌های تعارضی زناشویی بالاتر باشد، رضایت زناشویی را هم برای خود و هم برای همسرشان به طور همزمان پیش بینی می‌کند (۳۴).

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها، محدودیت‌هایی داشته است. در دسترس بودن نمونه‌گیری و عدم کنترل ویژگی‌های اختصاصی آزمودنی‌ها از جمله این محدودیتها هستند که مانعی برای تعمیم‌پذیری یافته‌ها قلمداد می‌شود؛ لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در پژوهش حاضر پیش از انجام مصاحبه، فرم‌های رضایت نامه آگاهانه توسط تمام مشارکت‌کنندگان تکمیل گردید.

حامی مالی

پژوهش کنونی حامی مالی نداشته است. هزینه‌های پژوهش حاضر توسط نویسندگان مقاله تامین گردید.

مشارکت نویسندگان

طراحی و ایده پردازی: زهرا عادل؛ اعظم داوودی

روش‌شناسی و تحلیل داده: زهرا عادل؛ اعظم داوودی؛ نظارت و نگارش نهایی: زهرا عادل.

تعارض منافع

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز است و در آن هیچ تعارض منافعی وجود ندارد.

References

1. Khojaste Mehr RM, A; Abbaspour, Z the attitude of married students towards marriage; A qualitative study. *Journal of Psychiatric Nursing*. 2016;4(2):19-28.
2. Hahlweg K, Richter D. Prevention of marital instability and distress. Results of an 11-year longitudinal follow-up study. *Behaviour research and therapy*. 2010;48(5):377-83.
3. Sanai BS, Setila; Homan, Abbas. Measurement scales of family and marriage. Tehran: Ba'ath. 2012.
4. Marnat G. Psychological assessment guide: for clinical psychologists, counselors and psychiatrists. Tehran: Rushd Publishing House. 2005.
5. Arefi M, Azar Afrooz, M. and Tofani, F. . Evaluating the level of marital conflicts and marital instability-possibility of divorce in incompatible couples in Rasht affected by marital life skills training. *International Congress of Mental Health and Psychological Sciences*. 2016;25:48-59.
6. Zahiri AA, Basaknejad, S. and Abbaspour, Z.A. The effectiveness of couple therapy based on improving the quality of life of conflict resolution styles, marital satisfaction and quality of life of couples with a history of breaking the contract. *Journal of Family Psychology*. 2019;7(2):1-16.
7. Lenzi M, Vieno A, Santinello M, Nation M, Voight A. The role played by the family in shaping early and middle adolescent civic responsibility. *The Journal of Early Adolescence*. 2014;34(2):251-78.
8. Peleg O, Zoabi M. Social anxiety and differentiation of self: A comparison of Jewish and Arab college students. *Personality and Individual Differences*. 2014;68:221-8.
9. Karairmak Ö, Duran NO. Gender differences in attachment styles regarding conflict handling behaviors among Turkish late adolescents. *International Journal for the Advancement of Counselling*. 2008;30(4):220-34.
10. Thakore D. Conflict and conflict management. *IOSR Journal of Business and Management (IOSR-JBM)*. 2013;8(6):07-16.
11. Pourbafarani M, Etemidi, A., Akbarzadeh, M. and Jazayeri, R. . Examining the role of mother's personality traits, mother's marital conflict, mother's conflict resolution style and daughter's conflict resolution style in predicting mother-daughter conflict. *Women and Society Scientific-Research Quarterly*. 2014;6(23):105-26.
12. Kantek F, Gezer N. Conflict in schools: Student nurses' conflict management styles. *Nurse education today*. 2009;29(1):100-7.
13. Abiodun AR. Organizational conflicts: Causes, effects and remedies. *International Journal of Academic Research in Economics and Management Sciences*. 2014;3(6):118.
14. Wilde JL, Dozois DJ. A dyadic partner-schema model of relationship distress and depression: Conceptual integration of interpersonal theory and cognitive-behavioral models. *Clinical psychology review*. 2019;70:13-25.
15. Rahim MA, Magner NR, Shapiro DL. Do justice perceptions influence styles of handling conflict with supervisors?: What justice perceptions, precisely? *International Journal of Conflict Management*. 2000.
16. Lu W, Wang J. The influence of conflict management styles on relationship quality: The moderating effect of the level of task conflict. *International Journal of Project Management*. 2017;35(8):1483-94.
17. Rahim MA, editor *Functional and dysfunctional strategies for managing conflict*. IACM 23rd Annual Conference Paper; 2010.

18. Birditt KS, Brown E, Orbuch TL, McIlvane JM. Marital conflict behaviors and implications for divorce over 16 years. *Journal of Marriage and Family*. 2010;72(5):1188-204.
19. Dildar S, Sitwat A, Yasin S. Intimate enemies: Marital conflicts and conflict resolution styles in dissatisfied married couples. *Middle-East Journal of Scientific Research*. 2013;15(10):1433-9.
20. Asa U, Nkan V. Factors associated with marital instability among Rural farming households in Akwa Ibom State, Nigeria. *European Scientific Journal*. 2017;13(15):290-9.
21. Rahim MA. A measure of styles of handling interpersonal conflict. *Academy of Management journal*. 1983;26(2):368-76.
22. Rihani R, Soleimian, A.A. and Nazifi, M. . Prediction of marital instability based on emotional regulation skills and identity styles. *Research in clinical and counseling psychology*. 2016;6(1):60-76.
23. Dehghan. Comparison of marital conflicts of women applying for divorce with women referring for marital counseling (non-divorce applicants) in Ohm. Master's thesis in the field of family counseling, Kharazmi University, Tehran. 2001.
24. Babapour J. Investigating the relationship between communication conflict resolution methods and students' psychological health. . *New Psychological Research Quarterly*. 2007;1(4):27-46.
25. Haghigi H, Zarei, A. and Qadri, F. . Examining the factor structure and psychometric properties of Rahim's Conflict Resolution Styles Questionnaire (ROCI-II), among Iranian couples. *Family Counseling and Psychotherapy Quarterly*. 2011;1(3):534-61.
26. Mousavi M, Samavatian, H. and Nouri, A. The simultaneous effectiveness of the quality of working life and enrichment of married life on marital conflicts and marital instability among working couples with regard to the role of spillover. *Psychological Achievements*. 2018;20(25):1-20.
27. Rezaei SaR, F. . Prediction of marital burnout based on conflict resolution styles and marital expectations. *Bi-Quarterly Journal of Applied Counseling*. 2018;8(2):23-38.
28. Nowrozi S, Rezakhani, S.D. and Vakili, P. . The relationship between conflict resolution styles, psychological well-being and marital stability: presenting a causal model. *Journal of Women and Society*. 2020;11(42):81-104.
29. Ben-Ari R, Hirshberg I. Attachment styles, conflict perception, and adolescents' strategies of coping with interpersonal conflict. *Negotiation Journal*. 2009;25(1):59-82.
30. Rahim MA, Antonioni D, Krumov K, Ilieva S. Power, conflict, and effectiveness: A cross-cultural study in the United States and Bulgaria. *European Psychologist*. 2000;5(1):28.
31. Delatorre MZ, Wagner A. Enfrentamiento de Conflicto Conyugal desde la perspectiva de hombres y mujeres casados. *Psico-USF*. 2018;23(2):229-40.
32. Behdarvand Sheikhi K. Relationship between Emotional Self-regulation and Responsibility with Social Relations of Students. *Social Welfare Quarterly*. 2019;19(73):189-220.
33. Amini M, Rahimi, H., Salehi, M. and Mousavi, S. . Evaluating the level of responsibility of Kashan University students. *Culture in Islamic University* 2013;3(7):271-96.
34. Gottman JM, Silver N. The seven principles for making marriage work: Harmony; 2015.